معرفی «الخرائج و الجرائح» در پرتو اصول حاکم بر جوامع حدیثی ـ محمدرضا رسولی راوندی

 فصلنامه تخصّصى مطالعات قرآن و حديث سفينه

سال چهاردهم، شماره 56 «ويژه کتابشناخت متون امامیه»، پاییز1396، ص26-45

معرفی «الخرائج و الجرائح» در پرتو اصول حاکم بر جوامع حدیثی

محمدرضا رسولی راوندی\*[1]

چکیده: با توجه به نیازهای زمانه، محدّثان گونه‌‌های مختلفی از کتب روایی در ادوار تاریخی نگاشتند. جوامع حدیثی از انواع کتبی است که بسیاری از علماء در طول تاریخ نوشته­اند. آنان گاه درصدد جمع مطلق احادیث معصومین: بوده‌اند و گاه تنها در موضوع خاصی به گردآوری حدیث پرداخته‌اند که خود باعث به وجود آمدن جوامع مطلق و نسبی حدیث شده‌اند. کتاب «الخرائج و الجرائح» نوشته علامه سعید بن هبة الله معروف به قطب راوندی (م576) از جمله جوامع نسبی است که مؤلف سعی کرده معجزات و کرامات پیامبر گرامی ‌اسلام و اوصیای ایشان را در این کتاب گرد آورد و از منظر سنت، حقانیت نبوت و امامت معصومان‌: را ثابت کند. این کتاب با نظم و دقت تألیف شده که شامل یک مقدمه و بیست باب در موضوعات مختلف و متنوع می‌باشد. در این مقاله از منظر اصول حاکم بر جوامع روایی، معرفی و بررسی شده است.

کلیدواژه‌‌ها: جامع­روایی، اصول، الخرائج و الجرائح، معجزه، معصومان:، قطب راوندی.

مقدمه

 پیامبراکرم6 معارف اسلامی‌ را از دو طریق به جامعه بشری منتقل کردند؛ یکی کتاب و دیگری سنت. کتاب یعنی مجموعه­ای از الفاظ و معانی آن که خداوند، به عنوان معجزه و کلام جاودان برای جامعه انسانی فرستاده است و سنت به معنای سخن، فعل و تقریر معصوم7 است. (صدر، ص 85) بنابراین حدیث در کنار قرآن، از منابع مهم شناخت و فهم دین به حساب می­آید. به همین دلیل محدثان مسلمان عنایت ویژه­ای به حدیث مبذول داشته و آن را از زوایای مختلفی بررسی کرده­اند. در حقیقت، با گذشت زمان و نیاز هر چه بیشتر به سنت در جهت تبیین احکام شرعی، و نیز با توجه به نیاز دوره‌‌های گوناگون به انواع کتب حدیثی، محدثان به جمع‌آوری احادیث متفرقه، ترتیب، تنسیق و مجموعه ساختن آن با سلایق مختلف پرداختند. در این میان، برخی از کتب محدثان مسلمان به دلیل اشتمال بر روایات بسیار، نوع احادیث، اهمیت و نیز وثاقت مؤلفان آن، اشتهار بسیاری یافت.

 جامع حدیث یکی از انواع این کتب است که انواع روایات دینی به شکل مطلق یا نسبی را – با صرف نظر از نحوه چینش یا تدوین روایات می‌باشد. (نک: معارف، مباحثی در تایخ حدیث، ص 67-70) کتاب «الخرائج و الجرائح» راوندی یکی از انواع جوامع حدیثی است که این نوشتار، در صدد معرفی آن در پرتو اصول حاکم بر جوامع حدیثی می‌باشد.[2]

1- آشنایی با مؤلف و دوره کتاب

 قطب­الدین ابوالحسین سعید (سعد) بن هبة الله راوندی(متوفای573) از علمای بزرگ شیعه به شمار می‌رود که منسوب به راوند، منطقه‌ای نزدیک به کاشان (افندی، به نقل از شیخ بهایی، تعلیقیة امل الآمل، ص 155) است. وی در دورانی می‌زیست که با مشکلات سیاسی داخلی (شدت عمل و سختگیری حاکمان سلجوقی)، و خارجی (وقوع جنگهای صلیبی و تاراج گنجینه‌‌های علمی‌ جهان اسلام)، طبیعی (قحطی حاکم بر ایران) و.. (لمبتون، ص 10) مواجه بود، اما با تلاش بی‌وقفه در جهت کسب و اشاعة علوم اسلامی ‌توانست به یکی از چهره‌‌های درخشان این دوره تبدیل شود.

 ابن شهرآشوب از وی با القابی چون عالم، متبحر، مفسر، فقيه، محدث، محقق (ابن شهرآشوب، ص 15) یاد می‌کند. میرزا عبدالله افندی نیز او را چنین ستوده است: شیخ، امام، فاضل، فقیه، متبحر، محدث، مفسر، متکلم و شاعر. (ریاض العلماء، ج 2، ص 419) وی در بسیاری از علوم صاحب نظر بوده، به طوری که عبدالله افندی به نقل از ابن طاووس می‌گوید: وی را در علوم زیادی عالم یافتم. (همان، ج 2، ص432) قطب راوندی شماری از عالِمان حدیث نقل می‌کند مانند: امین الاسلام طبرسی، عماد الدین طبری، محمد بن مرزبان و... همچنین عالمانی از وی حدیث نقل کرده‌اند؛ مانند: احمد بن علی بن عبدالجبار طوسی، ابن شهر آشوب مازندرانی، شیخ منتجب الدین رازی و... (نک: سبحانی، ج 6، ص 111-112)

 تألیفات وی را بیش از پنجاه (سبحانی، ج 6، ص112) و تا شصت و دو اثر نام برده‌اند (نک: طباطبایی، ص 9-37)، به طوری که اثر نبوغ و استعداد ذاتی وی را به آسانی می‌توان در تألیفات ایشان مشاهده کرد. در اینجا مجال برشمردن و توضیح هر یک نیست، لذا فقط چند اثر وی نام برده می‌شود: فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، الخرائج و الجرائح فی المعجزات [کتاب مورد بحث]، خلاصة التفاسیر، تهافت الفلاسفه، شرح النهایه شیخ طوسی، قصص الانبیاء، و.. (نک: منتجب الدین، ص 68، خویی، ج 9، ص 97 به نقل از منتجب الدین)

 معاجم متأخر رجال شیعی، وی را فردی عین، صالح و ثقه شناسانده­اند. (نک: منتجب­الدین، همانجا، اردبیلی، ج 1، ص 364) وی به سال 573 ق درگذشت، و در قم [در جوار مرقد مطهر حضرت فاطمه معصومه - سلام الله علیها-] دفن شد. (ابن شهر آشوب، همان، ص 16؛ آقابزرگ، ج 2، ص 234) محلّ دفن وی، در صحن حضرت معصومه، امروز کاملاً مشخص و آشکار است.

 2- نوع و موضوع جامع حدیثی

 این اثر، معجزات و دلائل مربوط به نبوت پیامبر6 و امامت ائمه اطهار: را با هدف حقانیت آنان، از نقطه نظر حدیث[3] اثبات می‌کند، لذا از نوع جوامع نسبی حدیث به شمار می‌آید.

3- نام جامع حدیثی و مبنای آن

 به طور کلی کتابهایی که در زمینة حدیث و تفسیر تألیف می‌شوند، از دو الگوی نام­گذاری تبعیت می‌کنند:

 الف) نام‌‌های نوعی که بر نوعی از کتب اطلاق می‌شود مانند: سنن، معاجم، مسانید و ...

 ب) نام‌‌های معرفه چون: مجمع البیان فی تفسیر القرآن طبرسی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور سیوطی و.. که گاه به تصریح مؤلف است و گاه ناشی از برداشت‌‌های دیگران.[4]

اما در انتخاب نام «الخرائج و الجرائح» مؤلف در مقدمه کتاب می‌گوید:

 «سمیته بكتاب الخرائج و الجرائح[5] لأن معجزاتهم التی خرجت على أيديهم مصححة لدعاويهم لأنها تكسب المدعی و من ظهرت على يده صدق قوله» (راوندی، مقدمه ج 1، ص 19)؛ چون این معجزات از دست آن‌‌ها (پیامبر و اهل بیت:) صادر و خارج شده است، پس نام الخرائج بر آن نهادم و چون ثمره و دستاورد این معجزات، اثبات صداقت انجام دهنده آن در ادعای خویش است و در حقیقت اثبات راستگویی آن‌‌ها در دستاورد این معجزات است، آن را الجرائح [دستاوردها] نامیدم.

4- انگیزه تألیف کتاب

 به طور طبیعی، تألیف جوامع حدیثی، مدت زیادی از عمر مؤلف را در بر می‌گیرد که طبعاً پیرو یک انگیزه و نیازی بر اساس شرایط حاکم بر عصر مؤلف است. جامع حدیثی «الخرائج و الجرائح» نیز از این امر مستثنی نیست، به طوری که مؤلف در مقدمه کتاب می‌گوید:

 «فإن قوما من الذين أقرّوا بظاهرهم بالنبوات، جحدوا فی الإمامة كون المعجزات فضاهوا الفلاسفة و البراهمة[6] الجاحدين فی النبوة الأعلام الباهرات، فدعاواهم جميعا باطلة فاضحة، إذ الأدلة على صحّة جميع ذلك واضحة» (مقدمه ج 1، ص 17)؛ عده‏اى كه در ظاهر، معجزه انبياء را قبول دارند، ولى معجزه امامت را انكار مى‏كنند، اينها شبيه فلاسفه و براهمه‏ هستند كه نبوت را انكار مى‏كنند. تمام ادعاهاى آنان باطل است، و دليل بر درستى تمام اين معجزات، واضح است.

 در حقیقت، قطب الدین راوندی دید که بعضی فرق آن زمان، معجزه و علائم روشنی را که بر امر امامت دلالت داشت انکار می‌کردند، (که گویی نبوت را انکار می‌کنند). لذا بر آن شد تا با گرد‌آوری احادیث موجود در این زمینه و تألیف و تدوین آن در کتابی واحد، تمامی‌ مدّعاهای مخالفان را از حیّز اعتبار ساقط کرده و مذهب و عقائد شیعه را نشان دهد. از این رو کتاب، رنگ و بویی کلامی ‌به خود گرفته است.

5- ساختار و اجزای جامع حدیثی الخرائج و الجرائح

 این جامع حدیثی، بر اساس الگوی شخص محور تنظیم شده که مؤلف در بیست باب آن را تنظیم کرده است؛ وی مقدمه‌ای کوتاه در بیان امکان وقوع معجزه و کرامت از انبیاء و اوصیای آنان، در سیزده باب آورده، آنگاه احادیثی مربوط به معجزات نبی اکرم و ائمه اطهار: ذکر می‌کند، باب چهاردهم کتاب، در نشانه‏ها و علامتهاى پيامبر و ائمه: است كه چهارده فصل دارد. باب پانزدهم را به دلائل و براهین بر امامت دوازده امام معصوم: اختصاص می‌دهد. وی در باب شانزده از کتاب خویش، معجزات شگفت‌انگیز و کم نظیر پیامبر و ائمه: را آورده و در باب هفده به گردآوری احادیثی پرداخته که در مقايسه معجزات پيامبر و ائمه و معجزات پيامبران پيشين، ذکر شده است. قطب الدین راوندی در باب هجدهم از ام المعجزات قرآن کریم و مباحث مربوط به آن بحث کرده و در باب نوزده، در فرق بین حیله و معجزه مباحثی مطرح نموده و در نهایت در باب بیستم در نشانه‏ها و مرتبه‏هاى خارق العاده ائمه: احادیثی آورده است.

 چاپ جدید کتاب در سه جلد تنظیم شده است: جلد اول کتاب، سیزده باب و 558 روایت، جلد دوم تا باب هفده شامل 517 روایت و جلد سوم باب هجده تا بیست که 85 روایت را در بر می‌گیرد. در پایان هر باب، فهرست مطالب ذکر شده است. در مجموع تعداد کل روایات کتاب حدود 1160 روایت می‌شود.[7]

 تخصیص هر باب به موضوع جداگانه و نیز تقسیم آن به بخش‌‌های مجزا و مربوط به هر یک از ائمه اطهار:، نظمی ‌بی‌نظیر و خاصی به این کتاب داده به طوری که دسترسی به مطالب کتاب را بسیار آسان‌تر از دیگر کتب مشابه کرده است. ترتیب زمانی روایات نیز از این مسأله مستثنی نیست، به طوری که مؤلف ذیل هر بخش مربوطه ابتدا روایات و حوادث اعجاز گونة مربوط به قبل از تولد امام، دوران کودکی و.. را زودتر ذکر می‌کند. به عنوان مثال در باب اول، معجزات پیامبر اکرم6 را به چنین ترتیبی بیان می‌کند:

 الف) معجزات قبل از بعثت که جنبة آماده‌سازی و مقدمه­چینی برای بعثت داشته است.

 ب) معجزات پس از بعثت.

 ج) دعاهای مستجاب آن حضرت.

 د) معجزات پس از رحلت حضرت.

 البته ضعف‌‌هایی چون عدم پیروی احادیث بعضی باب‌‌ها (15و17) از ترتیب خاص، عدم اشاره به عنوان بعضی ابواب[8] در فهرست اولیه و نیز تداخل روایات بعضی ابواب (نک: ج 1، ص 38، 126، 297) در کتاب به چشم می‌خورد.

6- رده‌بندی کتاب

 یکی از مواردی که در بررسی یک جامع حدیثی مورد توجه قرار می‌گیرد، نحوة طبقه‌بندی باب‌‌ها توسط مؤلف است که حکایت از آشفتگی یا نظم فکری مؤلف می‌کند. این رده‌بندی خود می‌تواند بر مبنا و الگوهای خاصی صورت گیرد و از اولویت‌‌ و ارتباط بخش‌‌ها سخن ‌گوید. مثلاً اگر الگوی کتاب شخص محور باشد، نحوة چینش باب‌‌ها و عناوین می‌تواند بر اساس نظام الفبایی، تقدم سابقه در اسلام یا افضلیت افراد صورت ‌پذیرد. در جوامع موضوع محور نیز ملاک‌‌های مختلفی مورد توجه بوده است، مانند علامه مجلسی که کتاب خود را در بیست و پنج باب به یک ترتیب خاص تنظیم کرده است. (نک: ج 1، ص79-80)[9]

 اما قطب راوندی در جامع روایی «الخرائج و الجرائح» عناوین باب‌‌ها را به ترتیب ائمه معصوم: می‌آورد، از پیامبر6 تا امام عصر(عج). در حقیقت، مؤلف از ترتیب زمانی استفاده می­کند، بجز احادیث مربوط به دو باب پانزده و شانزده که از ترتیب خاصی پیروی نمی‌کند. اما در مورد تبویب و ترتیب خود باب‌‌ها، نظر می‌رسد اگر مؤلف ابتدا باب مربوط به فرق معجزه با حیل و نیز باب اعجاز ام المعجزات قرآن مجید را ذکر می‌کرد، کتاب از نظم بهتری برخودار می‌شد.

7- فعالیت مؤلف در ساماندهی کتاب

 ممکن است مؤلفان معاجم و کتب­روایی به جمع احادیث بسنده نکنند و در این راستا فعالیت‌‌های مختلفی چون توضیحات فقه­الحدیثی، نقدالحدیثی و.. را نیز مدّ نظر قرار داده و با سلایق خود، کتاب خویش را به صور مختلف تدوین ‌کنند.

 مؤلف «الخرائج و الجرائح» نیز ضمن تخریج روایت، به موارد و نکات دیگر نیز توجه داشته است. آوردن بخشی با عنوان فصل، قبل از ذکر روایات باب، جهت تفهیم صحیح مطلب و آشنا کردن ذهن مخاطب با موضوع (ج1، ص 22) و نیز بیانات تفسیری (ج 1، ص 74، ج 2، ص 871، ج 3، ص 1078)، بیان مصداقی (ج 1، ص282)، توضیحات لغوی (ج 2، ص 547)، تقطیع حدیث (ج 3، ص 1073 و 1081)، شواهد شعری (ج 1، صص 243 و 267)، شرح کامل واقعه (ج 1، ص243)، روی آوردن به مباحث کلامی،[10] از جمله فعالیت‌‌های مؤلف ذیل روایات کتاب است.

8- ملاک‌‌های مؤلف در انتخاب روایات و میزان موفقیت و وفاداری او در این راستا

 ملاک مؤلف استقصای تام روایات معجزه ائمه: و دلائل و براهین آن نبوده، چه آن را خارج از حدّ شماره می‌داند. بلکه به برای آنکه کتاب، از حیث حجم برای مخاطب ملال­آور نباشد، نیز کافی بودن همین مقدار برای وی، تعدادی قابل توجه در حد خود از روایات مربوطه را در کتاب خویش ذکر می‌کند. (نک: ذیل باب پانزده: ج 2، ص 791) وی همچنین در پایان باب پانزده می‌نویسد: «و قد كنت جمعت خمس مختصرات تتعلق بهذا الفن من العلوم فأضفتها إلى هذا الكتاب.» (نک: همانجا) این نشان می‌دهد که مؤلف، در پنج باب پایانی نیز همین روش را به کار گرفته است.

 همچنین به منظور رعایت اختصار، در مورد روایاتی که با دیگر باب‌‌ها هم پوشانی دارد، فقط به ذکر قسمت مورد نیاز بسنده کرده و کل روایت را ذکر نمی‌کند. (نک: ج 3، صص1073و 1081) در مورد میزان اعتبار حدیث نزد مؤلف باید گفت، بیشترین توجّه او به دقت و امانت در ذکر اهداف روایات بوده است. از این رو، از ذکر مقدمات حدیثی، یا آوردن دیگر احادیث حاشیه­ای مربوط به تبیان معجزات و مسائل مربوط به آن و... پرهیز می‌کند، لذا بقای بر ذکر ماده حدیثی در رأس ملاک‌‌های وی بوده است. (نک: مقدمه محقق، ج 1، ص 8-9) اما آنچه بسیار چشمگیر است، میزان تسلط مؤلف به اسلوب ادبی، سلاست الفاظ، دقت در تعابیر و قدرت اقناعی اوست که در بخش‌‌های گوناگون کتاب، قابل ملاحظه است.

9- منابع کتاب و شیوه تدوین سند

 عدم ذکر کامل سند و حتی ارائه منبع و مصدر اغلب روایات این کتاب، از جمله مواردی است که در اسناد این کتاب مشاهده می‌شود. در موارد ‌اندکی مؤلف ادعای شهرت و تواتر برخی روایات را ذکر می‌کند. (نک: ج 1، صص 25، 32 و 201) با این وجود، مؤلف فقط در باب‌‌های 16 و 20 و برخی از قسمت‌‌های ‌اندک دیگر، تمامی‌ روایات را با ذکر سند کامل آورده است.

مؤلف ذیل باب 16 (نوادر معجزات) می‌گوید:

 «و قد كان الشيخ الصدوق سعد بن عبد الله بن أبی خلف الأشعری ذكرها فی كتاب البصائر و أوردها الشيخ الثقة محمد بن الحسن الصفار فی كتاب بصائر الدرجات، و كلاهما لم يكن غاليا و لا قاليا و قد كان الراوی لنا عنهم عاليا» (ج 2، ص 792)؛ در حقیقت وی این روایات را از کتاب «بصائرالدرجات» سعد بن عبدالله اشعری و بصائر الدرجات» محمد بن حسن صفار نقل می‌کند.

10- بررسی (احراز) علمی ‌کتاب

 یکی از اصول مهم در بررسی کتب و جوامع حدیثی و غیر آن، احراز علمی ‌نسبت کتابها به مؤلفان و وثاقت آنها است. این اصل هماره مورد مداقّة محققان در اداوار مختلف تاریخی قرار گرفته و بعضاً موجبات وارد کردن تشکیک به مؤلف و یا مطالب کتاب را فراهم آورد است. ابتدا باید صحت انتساب کتاب به مؤلف ثابت شود تا هر گونه شک و تردید در مورد اینکه آیا کتاب به درستی به مؤلف واقعی‌اش انتساب یافته یا اشتباهاً به نام شخص دیگری معرفی شده و نیز شائبه جعل نام مؤلف از آن زدوده شود.

 در اینکه مؤلف «الخرائج و الجرائح» کسی جز سعید بن هبة الله نیست، شکّی وجود ندارد، واقعیتی که علمای متأخر در کتب خویش بدان اعتراف کرده‌اند[11] و تا به امروز ادعایی خلاف آن وجود نداشته است. مرحلة دوم در احراز علمی‌ یک کتاب به بررسی اتحاد یا اختلاف نسخ برمی‌گردد. بعض نسخ خطی «الخرائج و الجرائح» از این قرار است:

1- نسخه کتابخانه آیت الله العظمی‌مرعشی نجفی، شماره983، تاریخ استنساخ: 1092.

2- نسخه کتابخانه شخصی آیت‌الله محی الدین مامقانی که بنا به تحقیق محققان مؤسسه امام مهدی (عج) که کتاب را تصحیح کرده‌اند، دقیق­ترین و صحیح­ترین نسخه خطی است.

3- نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

4- نسخه کتابخانه عمومی ‌مشهد مقدس، شماره 1677، تاریخ استنساخ: 985.

5- نسخه کتابخانه عمومی ‌مشهد مقدس، شماره 1678، بدون تاریخ.[12]

 دو نسخه اخیر در اکثر مواضع اختلافی، متّفق­اند و نقل شده که در بیاضات صفحه هم مانند یکدیگرند و بنابر این یا به عیناً از یک نسخه استنساخ شده‌اند یا یکی از دیگری گرفته شده است. (نک: مقدمه محقق، ج 3، 969) نسخ مذکور از افتادگی، تصحیف و اغلاط نوشتاری مصون نمانده‌اند، اما اگر موردی هم وجود داشته با مقابله و تصحیح علماء[13] و موسسات تحقیقی،[14] رفع شده و مجالی برای تشکیک در اعتبار مطالب کتاب وجود ندارد.

 اعتبار علم الحدیثی روایات، از دیگر مواردی است که در میزان اعتبار علمی‌ کتاب مؤثر است. ضابطة رایج، روایات را با تقسیمات مصطلح الحدیثی (صحیح، حسن، موثق و ضعیف)[15] می‌سنجد. اما از آنجا که بسیاری از احادیث این کتاب، با مسئله عدم ذکر کامل سند مواجه است، قضاوت صحیح و کامل در این باره به نظر متخصصان و اهل فن در این حوزه موکول است، که خود مجال بسیار گسترده‌تری می‌طلبد. برخی گفته‌اند: مرحوم قطب در نقل روایات کتاب «الخرائج و الجرائح»، از جماعتی از ثقات حدیث نقل می‌کند. (افندی، همان، ج 2، ص 434) میزان اثرپذیری علمای بعد از وی از احادیث این جامع نیز، اعتبار و صحت آن را نشان می­دهد، که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

11- وجه تمایز کتاب با آثار مشابه و جایگاه آن در آثار حدیثی

 از جمله مواردی که به نوعی مکمل ملاک اعتبار علمی ‌یک کتاب محسوب می‌شود، بررسی وجه تمایز کتاب با آثار مشابه خود و نیز جایگاه کتاب در تفکر و آثار علمای پسین است. بدین سان که هر چه کتاب از لحاظ علمی ‌متقن‌تر، باشد میزان اشغال چنین جایگاهی برای کتاب نزد علماء نیز وسیع‌تر خواهد بود.

11-1- وجه تمایز

 این مجموعه نسبت به مجموعه‌‌های حدیثی مشابه (مستقل و غیر مستقل) از چندین امتیاز برخوردار است:

 الف) توانایی مؤلف در گردآوری انواع مختلفی از احادیث معجزات و توفیق وی در برقراری ارتباط بین موضوع معجزه و مسائل مربوط به آن مانند دلائل، براهین و مسائل کلامی.

 ب) افزودن «خمس ملحقات» (پنج باب شانزده- بیست) به کتاب که شامل موارد زیر می‌باشد:

1) کتاب نوادر المعجزات: که مؤلف از کتب «بصائرالدرجات» اشعری و صفار، احادیثی انتخاب کرده و به کتاب افزوده است.

2) کتابی در مقایسه معجزات معصومان: با دیگر انبیاء.

3) کتاب اعجاز ام المعجزات؛ قرآن مجید که در این باب، وجوه اعجاز قرآن و رد شبهات حول این موضوع با کلامی ‌موجز و به دور از پیچیدگی و ابهام ذکر می­شود.

4) اختصاص بابی در فرق بین حیل و معجزه که با ذکر حقیقت، معجزه از غیر خود چون شعبده و مانند آن تمیز داده می‌شود.

5) و در نهایت بابی در علامات و مراتب معصومان:، که به صورت مختصر بدان پرداخته می‌شود.[16]

11-2- جایگاه کتاب در آثار علماء

 کتاب «الخرائج و الجرائح» چشمه‌ای از چشمه‌‌های تراث اهل بیت عصمت و طهارت: است که منبع و مصدر بسیاری از روایات کتب علمای پس از خود قرار گرفته است. بنابر سخن محقق در مقدمه کتاب[17] علمای ذیل به احادیث این کتاب اعتماد کرده‌اند:

 إربلی در «كشف الغمّة»، شيخ زين الدين نباطي در «الصراط المستقيم»، شيخ حر عاملی در «وسائل الشيعة» و «اثبات الهداة»، مجلسی در «بحار الأنوار»، شیخ عبدالله بحراني در «عوالم العلوم»، سيّد ‌‌هاشم بحرانی در «تفسير البرهان»، «غاية المرام» و «مدينة المعاجز». و از علمای اهل تستن افرادی چون ابن صبّاغ مالكی در «الفصول المهمّة»، قندوزی در «ينابيع المودّة» و.. .

12- مکتب فقهی- کلامی ‌مؤلف

 شناخت مکتب فقهی - کلامی علمای اعصار مختلف در شناخت رویکرد آنها نقش دارد. به عبارت دیگر، علماء و دانشمندان در ادوار تاریخ، وابسته به مکاتب گونه‌گون در زمان خود بوده‌اند. به عنوان مثال شیخ صدوق وابسته به مکتب فقهی- حدیثی شهر قم بود (رک: طوسی، ص 237) و حتی در وصف حال پدر وی- علی بن حسین بن موسی- آمده که از بزرگان شیعه و سرآمد محدثان حوزه قم در عصر خود بوده است. (نجاشی، ص 261) نیز در زمان شیخ الطائفه- محمد بن حسن طوسی- به دلیل منازعات میان شیعه و اهل سنت در بغداد (ابن جوزی، ج 1، صص173 و 179)[18] مهمترین رشتة مورد توجه همگان، رشتة کلام و عقاید بود. بدین روی، شیخ وارد مکتب کلامی‌ بغداد شده و نقش مثبت و وحدت بخش در رفع تناقضات علمی ‌و اجتماعی ایفا کرد. (رک: معارف، تاریخ حدیث، ص 352-363)

 با توجه به موضوع جامع­روایی مورد بحث، جایگاهی برای سخن گفتن از فقه و مشرب فقهی مؤلف وجود ندارد. اما در مورد مشرب کلامی ‌وی باید گفت:[19] او در دانش کلام شاگرد قطب الدین ابو جعفر محمد بن علی بن الحسن المقریء النیشابوری بوده و طبعاً قطب راوندی از او بهره قوی برده است. همچنین وی پیروی شریف مرتضی نیز بوده و در دانش کلام مبانی بهشمیان را قبول داشته است؛ با اين وصف در پاره­ای از مسائل موضعی محتاطانه در اين زمينه اتخاذ می­کرده و به هر حال با آرای مکتب ابو الحسين بصري آشنايی داشته است. قطب الدين راوندي هم دقيقاً بر همين موضع بوده؛ او ضمن آنکه دقيقاً با مبانی مکتب بهشمي آشنايی داشته اما مبانی مکتب ابو الحسين را هم می­شناخته و حتی تلاش می­کرده در تعدادی از مهمترين مواضع اختلاف، موضعی فراتر از استادش در اين زمينه اتخاذ کند و حد وسط را تا آنجا که امکان داشته اتخاذ کند. به هر طریق وی عملاً برخی باروهای کلامی مکتب ابوالحسین را پذیرفته بوده است. در مقام نتیجه باید گفت، علامه با مبانی هر دو مکتب آشنایی داشته و آن­ها را پذیرفته و با توجه به اسناد موجود (به عنوان نمونه: نک: راوندی، منهاج البراعة، ج 1، ص 32-49) سعی داشته حد وسطی بین مواضع این دو مکتب اختیار کند.

 در رابطه با آثار کلامی علامه، باید گفت وی دست کم صاحب سه کتاب کلامی با نام­های: جواهر الکلام فی شرح مقدمة الكلام، شرح الأبیات‏ المشكلة فی التنزيه، تهافت‏ الفلاسفة بوده است. (رک: اردبیلی، همانجا) علامه در پایان کتاب الخرائج و الجرائح خود چند رساله کوچک آورده که در برخی از آنها مباحث کلامی ‌ديده می‌شود. مطرح کردن استدلال مخالفان و ردّ شبهات آن‌‌ها، خود بر این مطلب صحّه می‌گذارد، امری که از عناوین باب‌‌ها نیز کاملاً مشهود است. به عنوان نمونه وی در باب 18 (در بحث از قرآن و اعجاز آن) زیر بخش‌‌های کتاب را با عناوینی چون «الصرفة و الاعتراض علیها و الجواب عنه»، «باب فی مطاعن المخالفین» آغاز می‌کند. نیز در باب 19 (در فرق بین معجزه و حیل) عناوینی همچون «باب فی مطاعن المعجزات و جواباتها و ابطالها»، «باب فی مقالات المنکرین للنبوات أو الإمامات من قبل الله و جواباتها و ابطالها» به چشم می‌خورد.

 وی رساله دیگری در رابطه با اختلافات میان شیخ مفید و شیخ مرتضی نیز دارد که در آن مباحث کلامی مطرح کرده است. البته لازم به ذکر است که برشمردن این آثار تنافی با وجود مباحث کلامی در دیگر آثار او ندارد.

13- شکل‌گیری نهایی کتاب

 شکل‌گیری و تدوین کامل کتاب در حیات مؤلف یا بعد از وفات وی، نیز می‌تواند به عنوان اصلی در شناخت و بررسی یک جامع روایی مورد بحث قرار گیرد، چه بر نوعی مدیریت مؤلف بر تنظیم نهایی کتاب دلالت می‌کند. در تاریخ، کتابهای بسیاری وجود داشته‌اند که مؤلفان آن‌‌ها به دلایل مختلفی چون بیماری، مرگ و... نتوانسته‌اند کتاب را تمام کنند و قبل از شکل‌گیری نهایی کتاب، درگذشته‌اند.[20]

 در مورد کتاب «الخرائج و الجرائح» باید گفت: مؤلف آن توانسته خود نسبت به تدوین و شکل‌گیری نهایی کتاب مدیریت زمانی داشته باشد و آن را تمام کند. وی در مقدمه خویش بر کتاب می‌نویسد:

 «... و قد جمعت بعون الله سبحانه من ذلك جملة لا تكاد توجد مجموعة فی كتاب واحد ليستأنس بها الناظرون و ينتفع بها المؤمنون و سميته بكتاب الخرائج و الجرائح... و جعلته على عشرين بابا.. .» (ج 1، ص 19)

14- تحقیقات جانبی در مورد کتاب

 یک جامع روایی ممکن است مورد تحقیقات گوناگون جانبی چون شرح، ترجمه، تفسیر، تعلیق و .. قرار بگیرد. به هر ‌اندازه کتاب مورد نظر، جایگاه وسیع‌تری در نظام اندیشگی داشته باشد، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. یک کتاب ممکن است با توجه به ملاک‌‌های مختلفی چون اهمیت موضوع، نیاز عصر، قدمت، استقبال مخاطب، و دیگر انگیزه‌‌ها مورد شرح و تفسیر قرار گیرد.

 بر این تألیف علامه قطب راوندی تاکنون شرح و تفسیری مرقوم نشده است. دلیل این امر را می‌توان در موضوع کتاب، هدف و نیز سبک نویسنده آن دانست. چرا که بداهت و قابل درک بودن موضوع و احادیث کتاب، سُلاست و بلاغت الفاظِ این جامع را از هر گونه شرح و توضیحی بی­نیاز داشته است. بعلاوه مؤلف با توجّه تمامی‌ جوانب مربوطه، مقابل منکرین و مخالفین ایستاده و شبهات آن‌‌ها را رد کرده و از حریم شیعه دفاع می‌کند و جای هیچ حرفی باقی نمی‌گذارد.

 اما در مورد تصحیح نسخه‌‌های این اثر، همان طور که قبلاً ذکر شد، برخی باب‌‌های کتاب را علامه مجلسی در ضمن بحار الانوار آورده که آقای محمد باقر بهبودی تحقیق کرده است. کل کتاب را مؤسسه امام مهدی (عج) در قم تصحیح کرده است. این مجموعه، را محمد شریف الخادم به فارسی ترجمه کرده و «کفایة المؤمنین فی معجزات الائمة المعصومین» نامیده است. (نک: آقابزرگ، همانجا و نیز نک: ج 18، ص100) اخیراً نیز با نام «جلوه‌‌های اعجاز معصومین:» توسط غلامحسین محرمی ‌ترجمه و در موسسه نشر اسلامی ‌قم به چاپ رسیده است. (مدنی بجستانی، ج 1، ص 596)[21]

15- وضع کنونی کتاب از حیث طبع و تصحیح

 با معرفی برخی چاپ‌‌های کتاب «الخرائج و الجرائح» بحث را درباره این جامع­روایی خاتمه می‌دهیم:[22]

 1- چاپ سنگی، بمبئی، 1305ق، که حاوی منتخب کتاب «الخرائج» است.

 2- چاپ سنگی، 1301ق، که همراه با «اربعین» علامه مجلسی و «کفایة الأثر» خراز قمی‌ چاپ شده است و در این چاپ تنها منتخب کتاب «الخرائج» به چاپ رسیده است.

 3- نسخه چاپی موسسة الإمام المهدی7، قم، 1409ق، در سه جلد و 1316 صفحه تحت نظر سیدمحمد باقر موحد ابطحی، همراه با تصحیح و تخریج مفصل احادیث.[23]

 در پایان یادآور می‌شود از این کتاب گاه با اسامی ‌دیگری نظیر کتاب «المعجزات» یا کتاب «الخرائج» یاد می‌شود. (مدنی بجستانی، ج 1، ص 596)

نتیجه‌گیری

 این کتاب که توسط عالمی ‌ربّانی و متبحر در علوم زمانه در موضوع اثبات حقانیت نبوت و امامت معصومان: از منظر سنت به رشته تحریر درآمده، در زمره کتب متأخر شیعه است. با توجه به اصول حاکم بر جوامع حدیثی، در شمار جوامع­روایی نسبی محسوب می‌شود و به دلیل اشتمال بودن بر انواع روایات و احادیث مربوط به اعجاز و نیز پاسخ‌گویی به شبهات وارده در این زمینه و با برخورداری از دقت، امانت و سلاست الفاظ، توانسته جایگاه علمی‌ قابل قبولی میان کتب­روایی مختلف پیدا کند و مرجع و ملجأ علمی‌ و پژوهشی بسیاری از علماء و دانشمندان در دوره­های مختلف قرار گیرد.

منابع

1. ابن جوزی، محمد علی. المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم. هند: حیدرآباد، دائرة المعارف، 1359ق.

2. ابن شهر آشوب، محمد علی. معالم العلماء. بی­جا، بی­تا.

3. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب. تحقیق: جمال­الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر للطابة و النشر و التوزیع، چاپ سوم،1414ق.

4. اردبیلی، محمد بن علی. جامع الرواة. بی­جا: مکتبة المحمدی، بی­تا.

5. انصاری قمی، حسن، نکته­ها و یادداشت­ها: کتابی از مکتب متکلمان معتزلی ری، کتاب ماه دین، سال 1385ش، خرداد، تیر و مرداد، ص 75-68.

6. امین، سید محسن. اعیان الشیعة. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، 1406ق.

7. تهرانی، شیخ آقا بزرگ. الذریعة الی تصانیف الشیعة. بیروت: دارالاضواء، بی­تا.

8. افندی، عبدالله بن عیسی، تعلیقة امل الآمل. تحقیق: سید احمد حسینی. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، 1410ق.

9. همو. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء. تحقیق: احمد حسینی اشکوری، قم: مطبعة الخیام، بی­تا.

10. انصاری قمی، حسن. نکته‌‌ها و یادداشت‌‌ها: کتابی از متکب متکلمان معتزلی ری، کتاب ماه دین، شماره: 104 و 106، 1385ش، 68-75.

11. خویی، سید ابوالقاسم. معجم رجال الحدیث. بی­جا: 1413ق.

12. دوانی، علی. مفاخر اسلام. بی جا: مرکز فرهنگی قبله، 1372ش.

13. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. الملل و النحل. تحقیق: علی فاعور، بیروت: دارالمعرفة، بی­تا.

14. شهید ثانی، زیدالدین. الدرایة. طهران: المجمع العلمی‌الاسلامی(الاتحاد)، 1404ق.

15. صدر، سید الحسن. نهایة الدرایة. تحقیق: ماجدالغرباوی، قم: نشر المشعر، بی­تا.

16. طباطبایی، سید عبدالعزیز. نهج البلاغة عبر القرون(7)- شروحه حسب تسلسل الزمنی، مجله تراثنا، سال دهم، شماره: 1 و 2، 1415ق، 1-67.

17. طوسی، محمد بن حسن. الفهرست. تحقیق: شیخ جواد قیومی، بی­جا: موسسة نشر الفقاهة، چاپ اول، 1417ق.

18. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله. الخرائج و الجرائح. تحقیق: مؤسسة الإمام المهدی7، قم: موسسه امام مهدی(عج)، 1409ق.

19. همو. منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة. تحقیق: عبدالطیف حسینی کوهکمری، قم: کتابخانه آیة الله العظمی ‌مرعشی نجفی، بی­تا.

20. لمبتون، ان. سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام. ترجمه: یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر، 1363ش.

21. مجلسی، محمد باقر. بحارالأنور الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: موسسة الوفاء، چاپ دوم، 1404ق.

22. مدنی بجستانی، محمود. فرهنگ کتب حدیثی شیعه. تهران: چاپ و نشر بین الملل، 1385ش.

23. مدیر شانه­چی، کاظم. تاریخ حدیث. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب اسلامی (سمت)، 1377ش.

24. همو، علم الحدیث. قم: دفتر انتشارات اسلامی ‌وابسته به حوزه علمیه قم، چاپ بیست و یکم، 1387ش.

25. معارف، مجید. تاریخ حدیث. تهران: کویر، چاپ دهم، 1388ش.

26. همو، مباحثی در تاریخ حدیث. تهران: نبأ، 1387ش.

27. مؤسسه امام صادق7. تحت نظر: سبحانی تبریزی، جعفر. موسوعة طبقات الفقهاء. قم: موسسه امام صادق7، 1418ق.

28. منتجب الدین، علی بن عبدالله. الفهرست. تحقیق: سيد جلال الدين محدث أرموي، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشی النجفی، 1366ش.

29. نجاشی، احمد بن علی. فهرست اسماء مصنفی الشیعة. (رجال نجاشی)، قم: موسسة النشر الاسلامی ‌التابعی لجماعة المدرسین بقم المشرفة، 1416ق.

30. پایگاه اینترنتی "بررسی­های تاریخی، مقالات و نوشته­های حسن انصاری در حوزه تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام" به آدرس"http://ansari.kateban.com/post/2041".

\*. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران mr.rasuli66@gmial.com

1. لازم به ذکر است ایده و ساختار این مقاله مأخوذ از تقریرات دکتر مجید معارف در واحد درسی "بررسی جوامع حدیثی کهن و متأخر اهل سنت" بوده و از برخی بیانات کلی وی نیز در این نوشتاراستفاده شده است.

[3]. لازم به ذکر است که مباحث کلامی ‌نیز در این کتاب به چشم می‌خورد که البته در مقایسه با میزان اخراج روایات معصومان:، از حجم بسیار کمی‌ برخوردار است.

[4]. (برای اطلاع بیشتر نک: معارف، همان، فصل سیزده).

[5]. «جرح» و مشتقات آن در لغت به معانی چندی از جمله زخم بدنی، زبانی و کسب و اکتساب به کار رفته است. (ابن منظور، ج 2، ص 422) در قرآن نیز «جَرح و اجتراح» به معنای اکتساب به کار رفته است. (انعام (6) /60، جاثیه (45) / 21)

[6]. محمدبن عبدالکریم شهرستانی که در زمانی نزدیک به قطب راوندی می­زیسته، می­گوید: براهمه قومی‌ هستند که در بلاد هند ساکن هستند و مسأله «نبوت» را از ریشه و رأس باطل می‌دانند. (نک: شهرستانی، ص 372)

[7]. قابل ذکر است که یک سوم پایانی مجلد دو، شامل اخبار زیادی ذیل عنوان مربوطه است که البته روایاتی که مربوط به عنوان باب‌‌ها و در راستای اثبات نبوت پیامبر6 و امامت ائمه: هستند، معدود شده‌اند. امری که در جلد سوم در بخش اعجاز قرآن نیز انجام شده است. به طور کلی روایات شمارش شده با توجه به موضوع کتاب، عناوین باب‌‌ها و هدف مؤلف می‌باشد.

[8]. باب «معجزات محمد و اوصیای او از جهت اخلاق» (نک: ج 2، ص 883) اختصاص بابی به «علامات دلالت کننده بر حضرت صاحب الامر» و نیز بابی با نام علاماتی که قبل از قیام مهدی (عج) و همراه او هستند. (نک: ج3، صص1113 و 1148)

[9]. البته طبق بعضی تقسیم­بندی‌‌ها، ابواب کتاب شامل بیست و شش مجلد تنظیم شده و بابی موسوم به «المواعط» دارد. (نک: شانه­چی، ص 179)

[10]. با توجه به هدف مؤلف در تدوین کتاب، وی به ناچار در بعضی قسمت‌‌های کتاب به دفع شبهات وارده حول موضوع مربوطه می‌پردازد، مانند آن جا که وارد بحث کلامی‌ با فرقه خرمیه شده و به ابطال عقیده آنان می­پردازد که گفته‌اند پس از پیامبر اکرم6 نیز انبیای متعددی وجود دارند. (نک: ج 2، ص 875-883)

[11]. نک: بخش آشنایی با مؤلف در همین مقاله.

[12]. برگرفته از گزارش مدنی بجستانی، ج 1، ص 599. موسسه امام مهدی (عج) از وجود نسخه ای در مدرسه فیضیه قم نیز خبر می‌دهد. (نک: مقدمه محقق، همانجا) شیخ آقابزرگ نیز از نسخه‌ای از این کتاب یاد می‌کند که با نسخه مطبوع تفاوت‌‌هایی داشته است. (ج 7، ص 145) سید عبدالعزیر طباطبایی ذیل معرفی این کتاب حدود 13 نسخه خطی را به طور کامل آدرس می‌دهد. (نک: ص16-17)

[13]. مانند تصحیح علامه مجلسی و آقای بهبودی نسبت به باب هجده (اعجاز قرآن). (نک: بحار الأنوار، ج 89، ص 387)

[14]. موسسه امام مهدی (عج) در قم که کل کتاب را تصحیح کرده است. (نک: بخش پایانی مقاله)

[15]. محدثین شیعه حدیث را به این چهار قسم تقسیم کرده‌اند. (نک: شهید ثانی، ص 9-12)

[16]. برگرفته از مقدمه محقق، نک: ج 1، ص 8-11.

[17]. نک: ج 1، ص 11.

[18]. در این مورد نیز نک: دوانی، ج 1، ص 198-210.

1. این قسمت با تصرف، مأخوذ از پایگاه اینترنتی بررسی­های تاریخی، مقالات و نوشته­های حسن انصاری در حوزه تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام، به آدرس "http://ansari.kateban.com/post/2041" مکتوب به تاریخ 2/11/1392، است.

[20]. مانند احمد بن حنبل که قبل از ترتیب و تهذیب نهایی مسند خویش، درگذشت و این کار به عهده فرزندش؛ عبدالله و شاگردش؛ ابوبکر قطیعی افتاد. (نک: معارف، همان، ص 131)

[21]. در این کتاب، کل روایات، ترجمه نشده است.

[22]. برای اطلاع بیشتر از جزئیات کتاب از حیث چاپ، نک: طباطبایی، ص 17.

[23]. همین نسخه مرجع معرفی در این مقاله است.